

«نقش دین اسلام در خرافه زدایی از جامعه»

*هدیه

نواصر^۱

چکیده

خداوند متعال در موارد متعددی به لزوم پرهیز از خرافه و خرافه گرایی پرداخته است. زیرا دورشدن از درگاه الهی موجب هجوم تفکرات غیر منطقی و پیامد های جبران ناپذیر می باشد. دین اسلام ریشه خرافات را در ضعف ایمان دانسته است و نقل شده است، اگر میزان ایمان و اعتقاد به پرورگار در فرد کم شود به همان اندازه میزان میل به خرافات در او بیشتر می شود. و چه بسا افرادی که با باور خرافات غلط زبان های شدید و گاه غیرقابل جبرانی دیده اند. در این پژوهش سعی شده است با بررسی و مطالعه کتاب ها و مقالات موجود و قابل دسترسی مطالبی پیرامون خرافات و نقش دین در خرافه زدایی و راه های مبارزه با آن ارائه کرد، از آن جایی که هر پژوهشی دارای روشی است، پژوهش حاضر با عنوان «نقش دین در خرافه زدایی از جامعه» یک پژوهش توصیفی می باشد. نتایج حاصل نشان می دهد که در وهله اول تفکر و تعقل مهم ترین ابزار دوری از خرافات به شمار می رود پس وظیفه مسلمین، حوزه های علمیه و صدا و سیما دعوت به تفکر و ایجاد کارگاه و ستاد های آموزشی و شبهه شناسی در قالب های نوآمد و مناسب همه لایه های اجتماعی است.

واژگان کلیدی

دین، جامعه، خرافه، خرافه زدایی

*طلبه پایه پنجم عمومی، حوزه علمیه فاطمیه سلام الله علیها

مقدمه

به عقاید باطل و بی اساس که خلاف عقل و برهان باشد، خرافه گویند. خرافه گرایی یکی از آفت هایی است که اشکال گوناگونی از آن در عرصه های زندگی انسان ظهور یافته است. انسان نسبت به موجودات دیگر دارای کمالی نورانی به نام عقل است، که می تواند در پرتو این کمال همراه با استعانت از کتاب خدا و به وسیله پیشوایان (علیهم السلام) عقاید صحیح و غیر صحیح را تشخیص دهد و مرز میان حقیقت و خرافه را معین نماید، اما اگر به درستی نتواند از عقل خود استفاده کند و کتاب خدا و سنت را معیار واقعی قرار دهد، در این صورت با جهل خود به تقلید کورکورانه می پردازد و از تجزیه و تحلیل آنچه میشوند عاجز می گردد و به راحتی آن ها را بدون دلیل منطقی می پذیرد. از این رو کاوش و تحقیق در این زمینه امری مهم و قابل توجه است و ضروری است که برای خلاصی جامعه از این عقاید خرافی تحقیقاتی در این زمینه صورت گیرد تا سستی ولی پایه بودن این عقاید روشن شود.

از آن جایی که این مسئله از دیرباز از دغدغه های فکری متفکران و اندیشمندان اسلامی بوده طبیعی است که تحقیقات مختلفی در قالب کتاب، رساله و مقاله به رشته تحریر درآید، چند نمونه از کتاب های که در این زمینه به رشته تحریر درآمده اشاره می شود: جامعه در قبال خرافات اثر محمد حسن پاکدامن سال ۱۳۷۸ نویسنده کتاب در ابتدا نظری بر پیشینه معنوی و دینداری انسان انداخته سپس اقسام خرافات را همراه با بحثی در مورد جن زدگی و تسخیر جن مطرح نموده و در آخر هم به راه کاری برای مبارزه با خرافات اشاره کرده است محقق این پژوهش در نظر دارد بحث مورد نظر را از زاویه نقش دین در خرافه زدایی از جامعه به رشته تحریر درآورد.

اصطلاح شناسی

تعریف دین

در علم دین شناسی تعریف های گوناگونی از دین شده است، واژه دین در لغت معانی متعددی دارد، از جمله جزا و اطاعت پدر استعاره به معنای شریعت نیز بکاررفته است.^۱ تعریف های که برای دین ارائه شده است، تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند، برخی از آن ها چنان گسترده اند که آیین هایی را که در آن ها حتی اعتقاد به وجود خداوند مطرح نیست مانند، بوسیم، یا آیین های راکه مبتنی بر ماده انگاری است، در برمی گیرد. برخی دیگر، آن چنان محدود تعریف کرده اند که صرفاً به یک دین اختصاص یافته است از آنجا که طرح تعریف های ارائه شده و بررسی آن ها در این مسئله ضروری نیست، در اینجا تنها به بیان منظور دین در این پژوهش می پردازیم.

مقصود از دین، شریعه ها و آیین های الهی است که منشأ آن ها وحی خداوند بر پیامبران بوده و رفتارهایی را که در رسیدن انسان ها به سوی کمال و سعادت حقیقی مؤثر است، توصیه می کند. از آن جا که ادیان الهی به جز دین اسلام دست خوش تحریف شده اند تنها دین اسلام این ویژگی را حفظ کرده است. براین اساس دین شامل سه رکن اعتقادات، اخلاق و احکام است.^۲

تعریف خرافه

در لغت به معنای سخنان بیهوده و یاوه و در اصطلاح به معنای رویدادهایی را که انتظار نداشته ایم رخ دهند، به پدیده هایی نسبت دهیم که هیچ رابطه ی منطقی میان آن ها یافت نمیشود مثل اینکه گمان کنیم گذشتن از روی نردبان، سبب بروز حادثه رانندگی چند روز پس از آن می شود. یادیدن گربه سیاه، شکستن آئینه و نشستن سیزده نفر گرد یک میز را از رویدادهای بد شگون بشمار آوریم، در صورتی که این رویدادها هیچ اثری بر هیچ چیز دیگری ندارند.^۳

^۱ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ص ۳۳۳

^۲ حسین زاده، مبانی معرفت دینی، ناشر، موسسه آموزش و پرورش امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۲

^۳ مالرب، انسان وادیان، ص ۲۹۱

منشأ خرافه

از منظر قرآن

خدای متعال، منشأ خرافه رادربی فکری و به کار نیستن عقل می داند و انسان را به خاطر آن سرزنش می کند، به طورمثال در رویارویی با بت پرستی که بزرگترین مظهر خرافه است، می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۖ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۚ صُمُّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ؛ چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید می گویند نه بلکه از چیزی که پدارن خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم آیا هرچند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه ثواب نمی رفته اند. و مثل کافران چون مثل کسی است که حیواناتی را که جز صدا و ندایی نمی شنوند بانگ می زند کنند کورند لالند درنمی یابند.»^۱

درباره زنده بگورکردن دخترانشان می فرماید:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ۖ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۚ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛ گاه یکی از آن مشرکان به دختر دار شدن بشارت داده شود صورتش از غصه سیاه می شود در حالی که خشم خود را فرود می برد. به خاطر بشارت تلخی که به او داده شده از میان مردم متواری می شود که آیا این دختر را همراه با ننگ و خفت نگاه دارد یا او را در خاک پنهان کند بدانید که چه بد قضاوت می کنند.»^۲

خلاصه سخن این که ریشه اصلی خرافه از نگاه قرآن ضعف خرد و به کار نیستن عقل است و در صورتی که انسان اندیشه خود را در مسیر درست آن بکار اندازد بی گمان از باورها و رفتارهای خرافی رها خواهد شد.

^۱ بقره: ۱۷۱ و ۱۷۰

^۲ نحل: ۵۸ و ۵۹

از نظر روان شناسان

مطالعات روانشناختی خرافات نشان می دهد که معمولاً درمواقع حساس و لحظه های که عدم اعتماد و اطمینان درآینده وجود دارد، خرافات به وجود می آیند و رویارویی بامسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی، فقر، حوادث طبیعی و مواردی ازاین قبیل که همیشه برای بشر منبع اضطراب بوده اند و احساس شکست و ترس و خشم به دنبال داشته اند و چون انسان نتوانسته است هیچ یک از آن ها را از راه علم و منطق توجیه کند به خرافات روی آورده است تا از اضطراب و تشویش درونی رها شده، تسکین خاطر پیدا کند.^۱

همچنین روح و نفس بشر دربرابرهیجانات مختلف واکنشهای متفاوتی ازخودنشان می دهد. اگر از زمان های دوربشر می توانست هیجان های خودراکنترل کند مطمئناً خرافاتی در کار نبود. به طور خلاصه می توان گفت بشر سه عیب بزرگ دارد: ترس، جهل و حیرت در واقع این سه عیب همان انگیزه های اصلی و مهم در افکار و خیالات خرافی هستند و به طور قطع تا وقتی این سه عیب در جامعه برطرف نشود خرافه پرستی ریشه کن نخواهد شد و در هر زمانی به صورت اشکال و انواع متفاوتی ظاهر می شوند.^۲

از نظر جامعه شناسان

انسان همواره با نگرش به اطراف خود به دنبال طرح ریزی مجموعه ای از افکار بوده است تا موارد خارج از محدوده توانایی های خود را در چهارچوب آن مورد تحلیل و بررسی قرار دهد آن ها همواره سعی کرده اند به جای کاربرد واژه ی «نمی دانم» اوهام و خرافات را به هم آمیزند و مجموعه ای را ساخته و پرداخته کنند تا بتوانند به وسیله آن مواردی را که نمی دانند توجیه کنند.^۳

^۱ هادی به، خرافه و خرافه زدایی بارویکرد رسانه ای، ص ۴۰

^۲ پاکدامن، جامعه درقبال خرافات، ص ۴۴ و ۴۵

^۳ علوی نژاد، مقاله قرآن و خرافه باوری، ص ۲۵۴

نفسانی است. متاسفم که به اطلاع خوانندگان برسانم که دانشمندان تابه امروز در معالجه این درد، پیروزی و موفقیت نیافته اند»^۱

دیوید هیوم نیز می گوید: «گرایش به خرافات از گرایش طبیعی آدمی به پدیده های اعجاب انگیز ریشه می گیرد و اگرچه این گرایش گاهی در ضبط خرد و دانش درمی آید، اما هرگز نمی توان آن را از طبیعت آدمی ریشه کن ساخت»^۲.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می رسد مبارزه با خرافه باید توسط یک ستاد رسمی انجام شود، ستادی که به صورت دائمی به شناسایی خرافات و نقد و نفی آنها از صحنه ذهن و ضمیر جامعه اسلامی همت گمارد. این ستاد می تواند پس از جمع آوری اطلاعات در مورد انواع عقاید و رفتارهای خرافی از سطح شهر ها، روستا ها و مناطق مختلف کشور آن هم به صورت کاملاً جزئی و دقیق بایک تحقیق میدانی بسیار وسیع به محو و ریشه کنی خرافات بپردازد. ستاد باید مورد حمایت دولت و نهادهای قانونگذار و قوه قضائیه و وزارت ارشاد باشد و با مراکز علمی و آموزشی چون حوزه دانشگاه، مدارس و نیز با صدا و سیما ارتباط دائمی و مستقیم داشته باشد و تنها در این صورت است که در جامعه اسلامی مایک نهاد به پیگیری مبارزه با خرافه خواهد پرداخت با این ویژگی که فعالیت آن دائمی و بی وقفه باشد.^۳

در پایان تاکید می کنیم همانگونه که هیوم اشاره کرد، خرافه گرایی نمی توان از طبیعت آدمی ریشه کن کرد زیرا درون و فطرت انسان ریشه دارد و چنان که گفته شد مهم ترین مسئله در مورد خرافات آن است که به آسانی به وجود می آیند، اما به سختی نابود می شوند، بنابراین مبارزه با خرافه کار بسیار دشواری است.

^۱ طباطبایی، معنویت تشیع، ص ۲۴۶

^۲ گوستاو، روان شناسی خرافات، ص ۲۳۵

^۳ هادی به، همان، ص ۱۸۰

نتیجه گیری

مقاله حاضر با عنوان نقش دین در خرافه زدایی از جامعه مورد بررسی قرار گرفت. خرافه و خرافه گرایی از دیرباز در هر جامعه ای وجود داشت ولی شیوع و رواج آن در بین جوامع مختلف فرق می کند خرافه گرایی امری موهوم و زاییده جهل است و تازمانی که علم مطلق نصیب برنگردد انسان ها پیوسته گرفتار اوهام و اباطیل خواهند بود، خرافه از مظاهر فساد است و لذا باید با آن مبارزه کرد و به اصلاح آن پرداخت. خرافه بیماری است که برات جامعه عارض می شود مصلح طبیبی است که به معالجه بیماری می پردازد.

افکار و عقاید در تعیین جهت سیر انسان و مشخص کردن هدف او نقش مؤثری دارد. در این راستا دستگاه های فرهنگی کشور و مراکز آموزشی جامعه و حوزه های علمیه وظیفه دارند خرافه ها را از دین بزدایند و دین حقیقی را در معرض دید و فکر مخاطبان خود قرار دهند.

بنابراین لزوم مبارزه با خرافه گرایی در روزگار ما اصلی و تردیدناپذیر است. در این مسیر ابتدا باید معنای خرافه را به درستی شناخت و درعین حال در مسیر نفی خرافه گام برداشت. ولذا تمام نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور برای ریشه کن کردن خرافات از دین رسالت عظیمی را بر دوش دارند و کوتاهی در این زمینه قطعاً خسارات جبران ناپذیری را به اجتماع و دین وارد خواهد ساخت.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱_ اردستانی، احمدصادق، جاهلیت ازدیدگاه قرآن و نهج البلاغه، قم: انتشارات محمد، ۱۳۶۲
- ۲_ آریانپور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، چاپ اول، تهران، ناشر گستره، ۱۳۸۱
- ۳_ ادیبی، حسین، زمینه شناسی، انتشارات لوح، تهران، ۱۳۵۳
- ۴_ الیاده، میرچا، درپی سرچشمه های ادیان، مترجم غروریان، مینا، چاپ اول، تهران ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۵۱۳۹۷۷
- ۵_ اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، قم، نشر مرتضوی ۱۳۸۸_
- ۶_ برقی، احمد بن محمد خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱
- ۷_ پاکدامن، محمدحسن، جامعه در قبال خرافات، گناباد: نشر مرندیز، ۱۳۷۸
- ۸_ ثقفی، محمد، نقش مصلح دینی در خرافه زدایی، نرم افزار دیجیتالی قائمیه
- ۹_ حسین زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، تهران، ناشر موسسه آموزش و پرورش امام خمینی، ۱۳۸۵
- ۱۰_ حلی، محمد بن ادریس، مستطرفات السرائر، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳_
- ۱۱_ دراز، عبدالله، الدین، نشر دارالقرآن کویت، ۱۹۷
- ۱۲_ درانت، ویل، تاریخ فلسفه (عباس زریاب)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰
- ۱۳_ سبحانی، جعفر، مقاله مبارزه اسلام با خرافات، مجله درس‌هایی از مکتب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۲، آبان ۱۳۶۴
- ۱۴_ سلیمی، مصطفی، خرافات تحجر و نوگرایی دینی، تهران: مهر رایان، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۱۵_ شعبی، فاطمه، روانشناسی خرافات، انتشارات الکترونیکی، ۱۳۹۲

۱۶_ صدوق، محمدعلی، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ ق

۱۷_ طباطبایی، محمدحسین، معنویت تشیع، قم: تشیع، بی تا

۱۸_ کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی جنایی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳

۱۹_ گوستاو، جاهودا، روان شناسی خرافات (محمد تقی براهنی)، تهران: البرز، ۱۳۷۱

۲۰_ مالرب، میشل، انسان و ادیان (مهران توکلی) تهران، نشر نی، ۱۳۹۷

۲۱_ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۸۹

۲۲_ مرتضوی، جمشید، تاریخ جامعه شناسی، تهران، کتابخانه علوم اجتماعی

۲۳_ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ ق

۲۴_ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

۲۵_ هادی به، منیره، خرافه و خرافه زدایی بارویکرد رسانه ای، قم: مرکز پژوهش اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۲

فهرست مقالات

۱_ اکبری، احمد، مقاله ما و خرافات، مجله مبلغان، شماره ۷۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۴

۲_ ایازی، مقاله محمدعلی، قرآن و مبارزه با خرافات، ۱۳/۸/۱۳۹۳ سایت

۳_ ترابی، احمد، اندرگسست زنجیره های خرافه، مجله حوزه، ش ۱۵۳ و ۱۵۴

۴_ رزم جو، حسین، مقاله خرافات و راه مبارزه با آن از دیدگاه اسلام، مجله مشکوه، شماره ۱۳۷۱

۵_ درودگر، محمدجواد، ریشه های پیدایی و پایانی خرافات، مجله حوزه، ش ۱۵۲

۶_ عظیمی، امین، خرافه و رسالت حوزه، مجله حوزه شماره ۱۵۱

۷_ علوی، حیدر، مقاله قرآن و خرافه باوری، مجله پژوهش. قرآنی، شماره ۱۳۸۳، ۳۸

۸_ فدکی، غلام، دغدغه های محدث قمی از گسترش خرافه و تحریف، مجله حوزه سال ۱۳۸۸

۹_ سخنرانی مقام معظم رهبری، در جمع میهمانان چهارمین دوره مجمع جهانی اهل بیت
، روزنامه کیهان، ش ۱۸۸۷۹